

امریک
عموم احبای الهی
علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای یاران الهی، عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهاء عزیزند و در سحرگاهان تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابهی پی در پی میرسد.

شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار ببار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجره حیات کتاب ميثاق است.

ولی در این ایام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج ميثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجره حیات را از ریشه براندازد.

بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همّت را گماشتند که عهد و ميثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل آلود کنند تا در این گل آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز ميثاق طغیان نموده‌اند بعینه مثل بیانیان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه ئی کنند و خفیاً القای شبهات نمایند تا بکلی ميثاق بهاء الله در امریکا محو و نابود گردد.

ای یاران الهی، بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید. حضرت باب عهد و ميثاق جمال مبارکرا از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله و سطوع انوار بهاءالله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمة الله نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضدّ جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات بر بستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره الله است استدلال بر بطلان بهاءالله مینمودند هر روز رساله بر ضدّ بهاءالله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاءالله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت می‌شمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاقرا روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبّای صادق ثابت را از

مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند.

از جمله در کلمات مکنونه میفرماید "مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافت اشرار دست و دل هر دو بردار"

و خطاب باحبّاً میفرماید که "معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قمیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبّای جمال سبحانرا بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد واز شاطیّ قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبّاء الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جوید" الی ان قال عزّ اسمّه "پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حيله گرفتار آیند اینست نصح قلم تقدیر"

و در خطاب دیگر میفرماید "پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "اي کاظم چشم از عالميان بپوش و ماء حيوان عرفانرا از يد غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شيطان مده چه که اليوم مظاهر شيطانيّه بر مراصد صراط عزّ احديّه جالسند و ناس را بکلّ حيل و مکر منع مينمايند و زود است که اعراض اهل بيانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "بسيار در حفظ نفوس خود سعی نمايند چه که شياطين بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطريق او برآيند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند"

و در خطاب ديگر ميفرمايد "هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائيد از او اعراض کنيد اگر چه بزهد اولين و آخرين ظاهر شود و يا بعبادت ثقلين قيام نمايد"

و همچنين در خطابی ديگر ميفرمايد "اي مهدي جميع باين کلمات مطلع شده از مظاهر سجّينيّه و مطالع نمروديّه و مشارق فرعونيّه و منابع طاغوتيّه و مغارب جبتيّه اعراض نمايند"

و همچنين ميفرمايد "قلّ أن يا أحبائي ثمّ أصفياي اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون في هذا السجن الأكبر إن وجدتم من أحد أقلّ من أن يحصى روائع الإعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنّبوه" تا آنکه ميفرمايد "لأنّهم مظاهر الشيطان"

و در خطابی دیگر میفرماید "و بمنظر اكبر ناظر باشيد عنقريب روائح منتته انفس خبيثه بر آنديار مرور نمايد انشاء الله در آن ايام محفوظ مانيد"

در انجيل متى در فصل ثامن عشر در آيه ششم حضرت مسيح میفرماید "و من اعثر أحد هؤلاء الصغار المؤمنين بی فخير له أن يعلّق فی عنقه حجر الرحي و يغرق فی لجة البحر ويل للعالم من العثرات فلا بدّ أن تأتي العثرات و لكن ويل لذلك الإنسان الذي به تأتي العثرة فإن اعثرتك يدك أو رجلک فاقطعها و ألقها عنک خير لك أن تدخل الحياة اخرج أو اقطع من أن تلقى فی النار الأبدية و لك يدان أو رجلان و إن اعثرتك عينک فاقلعها و ألقها عنک خير لك أن تدخل الحياة أعور من أن تلقى فی جهنّم النار و لك عينان"

و در اصحاب حادی و العشرون در انجيل متى در آيه ۳۸ میفرماید "و أمّا الكرامون فلما رأوا الابن قالوا فيما بينهم هذا هو الوارث هاموا نقتله و نأخذ ميراثه فأخذوه و أخرجوه خارج الكرم و قتلوه"

و همچنین فی الاصحاح الثانی و العشرين در آيه چهاردهم میفرماید "لأنّ كثيرين يدعون و قليلين ينتخبون"

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاء الله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین ميثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود.

باری جمیع احبّای امریکا میدانند که مؤسّس این فساد یعنی نقض ميثاق نفوسی هستند که جمیع احبّای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب آنانرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبّت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهوذای اسخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پایا محروم می‌نماید ابداً چنین نیست هر نفسیکه جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبّاء را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود.

[مناجات] ای ربّ ميثاق ای نیّر آفاق عبدالبهائى مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجری میدارند و بنیان ميثاقرا ویران مینمایند و ادّعای بهائی میکنند تیشه بر ریشه شجره ميثاق میزنند و خود را مظلوم می‌شمردند نظیر بیانیها که ميثاق حضرت بابرا شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم می‌شمردند حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حيله و مکرى

مینمایند و افتزائی میزنند. یا بهاء الابهی حصن حصین امرترا از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوترا از این بادهای مخالف مصون بدار. یا بهاء الابهی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسائس و وساوس قیام کرده‌اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّه مظلومترا از چنگ و دندان ذء آب کاسره نجات می‌بخشی منتظر ظهور عنایات و تحقق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ الميثاق پس این سراجیرا که تو افروختی از این اریاح شدید حفظ فرما یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل‌شکسته گشتم و آزرده شده‌ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم یا بهاء الابهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید "این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسیکه اعراض نموده‌اند و از دریای علمت ممنوعند إلهی إلهی احفظ عبدک بجودک و کرمک من شرّ أعدائک الذین نقضوا عهدک و ميثاقک"

و در جای دیگر میفرماید "ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما" ناعق گوساله بنی اسرائیل است.

و همچنین میفرماید "مبغوض مرا محبوب خود دانسته‌اید و دشمن مرا دوست خود گرفته‌اید"

و همچنین میفرماید "صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزداید من أراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع أحبائه و من أراد أن یسمع کلام الله فلیسمع کلمات أصفیائه"

و همچنین میفرماید "با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند"

و همچنین میفرماید "رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرحمن و الدخول فی ظلّ الشیطان"

و همچنین میفرماید "ای عباد نیست در این قلب مگر تجلّیات انوار صبح لقا و تکلم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس ننمائید و

عهد الله را نشکنید و نقض ميثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو
توجه نمائید و نباشید از بیخردان"

و همچنین میفرماید "أنتم نسيتم عهد الله و نقضتم ميثاقه"

و همچنین میفرماید "إن جائكم أحد بكتاب الفجار دعوه ورائكم من الناس من نقض
الميثاق و منهم من اتبع ما أمر من لدن عليم حكيم ليس ضررى سجنى و بلائى و
ما يرد على من طغاة عبادى بل عمل الذين ينسبون أنفسهم إلى هذا المظلوم و
يرتكبون ما تضيع به حرمة الله بين خلقه ألا إنهم من المفسدين"

و همچنین از لسان ناقضین میفرماید "قد جعلت المنابر لذكرک و ارتفاع کلمتک و
اظهار امرک و انى ارتقيت عليها لاعلاء نقض عهدک و ميثاقک"

و همچنین میفرماید "خذوا ما أمرتم به و لا تتبعوا الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه ألا
إنهم من أهل الضلال"

و همچنین میفرماید "إن الذين نكثوا عهد الله فى أوامره و نكصوا على أعقابهم
أولئك من أهل الضلال لدى الغنى المتعال"

و همچنين ميفرمايند "إِنَّ الَّذِينَ وفوا بميثاق الله أولئك من أعلى الخلق لدى الحق المتعال إِنَّ الَّذِينَ غفلوا أولئك من أهل النار عند ربك العزيز المختار"

و همچنين ميفرمايند "طوبى لعبد آمن و لأمة آمنت و ويل للمشركين الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه و أعرضوا عن صراطى المستقيم"

و همچنين ميفرمايند "اسألك أن لا تخيبنى عما عندك و ما قدرته لخيرة خلقك الذين ما نقضوا عهدك و ميثاقك قل موتوا بغيظكم قد أتى من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الأقدام إِلَّا الَّذِينَ ما نقضوا عهدهم و اتبعوا ما أنزله الله فى الكتاب"

و همچنين ميفرمايند "إِنَّ الَّذِى تزيّن برداء الوفاء بين الأرض و السماء يصلّى عليه الملاء الأعلى و الذى نقص العهد يلعنه الملك و الملكوت"

و همچنين ميفرمايند "خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها أيادى الكفار الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و أعرضوا عن الوجه"

و همچنين ميفرمايند "يا يحيى قد أتى الكتاب خذه بقوة من لدنا و لا تتبّع الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و كفروا بما نزل من لدن مقتدر علام"

و همچنين ميفرمايند "قد أصبحت اليوم يا إلهي في جوار رحمتك الكبرى و أخذت القلم لأذكرك بحولك بذكر يكون بمنزلة النور للأحرار و بمثابة النار للأشرار الذين نقضوا ميثاقك و أعرضوا عن آياتك و نبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذي ظهر بأمرك و جرى من إصبع إرادتك"

و همچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا إلهي هذا غصن انشعب من دوحه فردانيّتك و سدره وحدانيّتك تراه يا إلهي ناظراً إليك و متمسكاً بحبل الطافك فاحفظه في جوار رحمتك أنت تعلم يا إلهي إنّي ما أريد إلّا بما أردته و ما اخترته إلّا بما اصطفيته فانصره بجنود أرضك و سمائك و انصر يا إلهي من نصره ثم اختر من اختاره و أيّد من أقبل إليه ثم أخذل من أنكره و لم يرده أي ربّ ترى حين الوحي يتحرّك قلّمي و ترتعش أركانى اسألك بولهي في حبّك و شوقي في إظهار أمرك بأن تقدّر له و لمحبيّه ما قدرته لسفرائك و أمناء وحيك إنّك أنت الله المقتدر القدير"

"تالله يا قوم يبكى عيني و عين عليّ على الرفيق الأعلى و يضجّ قلبي و قلب محمّد في السرايق الأبهي و يصيح فؤادي و أفئدة المرسلين عند أولى النهي إن أنتم من الناظرين لم يكن حزنى من نفسى بل على الذى يأتى من بعدى فى ظلل الأمر بسلطان لائح مبين لأنّ هؤلاء لا يرضون بظهوره و ينكرون آياته و يجحدون

بسلطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون في أمره كما فعلوا بنفسه في تلك الأيام و كنتم من الشاهدين"

و همچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا غصن أعظم لعمر الله نوازلك كدّرتي و لكن الله يشفيك و يحفظك و هو خير كريم و أحسن معين البهاء عليك و على من يخدمك و يطوف حولك و الويل و العذاب لمن يخالفك و يؤذيك طوبى لمن والاك و السقر لمن عاداك"

و همچنين ميفرمايد "هل يمكن بعد إشراق شمس وصيّتك من أفق أكبر ألواحك أن تنزل قدم أحد عن صراطك المسقيم قلنا يا قلمي الأعلى ينبغي لك أن تشتغل بما أمرت من لدى الله العليّ العظيم لا تسأل عما يذوب به قلبك و قلوب أهل الفردوس الذين طافوا حول أمرى البديع لا ينبغي لك بأن تطّلع على ما سترناه عنك إنّ ربّك لهو الستار العليم توجّه بوجهك الأنور إلى المنظر الأكبر و قل يا إلهي الرحمن زينّ سماء البيان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصدق إنّك أنت المقنن على ما تشاء لا إله إلاّ أنت المدبّر الكريم".

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و ميثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب می شود که سوء اخلاق سرايت می نماید نظیر مرض جذام که

ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این
بجهت حفظ و صیانت است.

این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح
عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که
مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند
بهمچنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب
بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر
ابداً بانها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبّای
الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم.

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیّبه قطع
می‌نماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند می‌نماید هم فصل میکند و هم
وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می‌آیند و داخل
در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوح کنعان در نزد
نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند
و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمی‌فرمودند و هذا فراق بینی و بینکم می‌فرمودند
جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند ولی اینها باعمال
و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند. حضرت مسیح در

قضیه یهودای اسخریوطی و برادران خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی‌نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنانکه در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصحه را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد بهمچنین باید نفوس مبارکه را از روائح کریهه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کلّ هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد.

۱۴ نوامبر سنه ۱۹۲۱ (عبدالبهاء عباس)